

جوانان حکمتیست ۲۵

سازمان جوانان کمونیست = حکمتیست

سرمدییر: فواد عبداللهی foadsjk@yahoo.com
دیر سازمان: بهرام مدرس bahramsjk@yahoo.com

۲۵ بهمن ۱۳۸۳ - ۱۵ فبریه ۲۰۰۵ www.javanx.com سه شنبه ما منتشر می شود!



سازمان جوانان حکمتیست
www.sjk-hekmatist.com
۸ مارس
روز آزادی و برابری

۸ مارس امسال با شعار "نه حجاب اجباری، نه آپارتاید جنسی! زنده باد آزادی و برابری!"

جوانان حکمتیست: روی چه شعارهایی اصرار دارید؟
مهرنوش موسوی: روی آزادی و برابری. این دیگر هویت جنبش ماست. از هر فرصتی باید استفاده کنیم پرچم این شعار را بلند کنیم. میشود! ← ۳

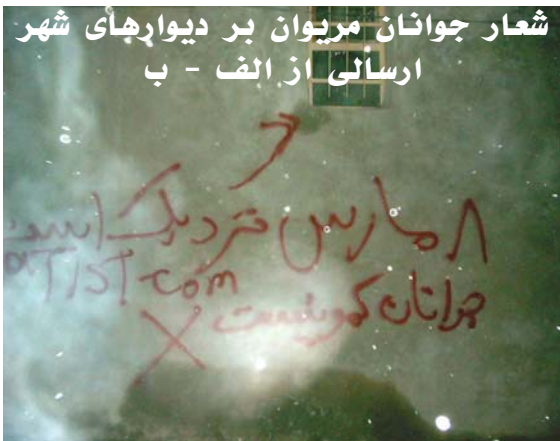
میرسد، جان سالم بدر ببرند. رژیم با کابوس و بحران هم به لحاظ بین المللی و هم در موقعیت داخلی خود مواجه است. برگزاری ۸ مارس علاوه بر این به آمادگی نیروهای برگزار کننده آن بستگی دارد. همینطور بطور کلی که نگاه میکنم، به نظرم از سال گذشته، جهت تبلیغات و بستر سازی برای برپایی این روز عقیم. رفراندوم طلبی پاره ایی از جریانات و طبیعتا شکست طلبی مکمل آن این نیروها را زمین گیر کرده است. امسال برپایی ۸ مارس روی دوش نیروهای مترقی، انسانگرا و برابری طلبی به پیش برده میشود. در دانشگاهها فی الحال جنب و جوشی به چشم میخورد، در یکی،



مهرنوش موسوی در گفتگو با جوانان حکمتیست

جوانان حکمتیست: ارزیابی شما از برگزاری ۸ مارس امسال چیست؟

مهرنوش موسوی: اگر مبنای ارزیابی شرایط و موقعیت عینی جنبش باشد، وضع ما خوب است. منظورم این است که امسال در شرایطی به استقبال ۸ مارس میرویم که نظام فعلا زمین گیر شده است، خود انتخابات به یک میدان جنگ و جدالی برای آنها تبدیل شده است که بعید به نظر



شعار جوانان مریوان بر دیوارهای شهر ارسالی از الف - ب

اسلامیزه کردن این نسل خرج کردند همه دست آخر به شکل استفراغ به سر و صورت خودشان بازگشت. امروز، جوانی که در این حکومت چشم باز کرده است، این سیاست سرکوب و عقب ماندگی فرهنگی و فکری رژیم را به مضاف طلبیده است. انتظاراتی که این نسل از آزادی، برابری، مدنیت غربی، مدرنیسم و حرمت انسانی دارد خود را در ضدیت و تناقض با نفس اسلام و حکومتش می داند. خود جمهوری اسلامی هم از این مسئله به خوبی واقف است و میداند که سبک سنگین کردن این نسل دیگر بیفایده است. اما کلید حل معمای بر کناری اینها از شئون زندگی، سیاست و جامعه بشکل احاد منفرد کار به جایی نمیرسد و بلکه ماندن رژیم در این ایستگاه آخر ناشی از ← ۴

در برابر قوانین حکومتی اوباشان اسلامی، رهبر و سازمانده محلات خود شوید!

محصول هجوم خونین و نظامی - پلیسی ۳۰ خرداد ۶۰ به بعد و کشتار عظیم و شلیک به شقیقه آزادیخواهی در ایران است. اینها با سرکوب به وجود آمدند و با تحمیل خفقان و تباهی فیزیکی و معنوی بر جامعه تا الان مانده اند. این رژیم در واقع نماینده یک تراژدی عظیم انسانی و یک هلاکاست اسلامی است. از نظر فرهنگی، هیچگاه "هنجارها و ناهنجارها"ی اسلامی، "معروفات و منکرات" اسلامی، سنتها و اخلاقیات اسلامی، راه و شیوه زندگی جوانان نشد. تمام آنچه که طی ۲۶ سال حاکمیتشان برای

سیاست و زندگی است. انسانهای زنده آن جامعه هر روز و هر شب بر بنیادهای اسلام، بر مقامات و نهادها و مراجعش، بر رهبر و رئیس جمهور، سپاه و بسیج و قانون و زندانش از ته دل تف کرده اند. این نفرت و بیزاری در واقع، خمیره روانشناسی مشترک اکثریت مردم را تشکیل می دهد. اما آنچه ۲۶ سال است به جمهوری اسلامی "مشروعیت" حکومت کردن داده است توسل به ماشین سرکوب و کشتار انسانها و پهن کردن بساط شکنجه و آزار بوده است. این حکومت در شکل کنونی اش،

حکومت اسلامی قابل اطلاع نیست بلکه هر درجه تعدیل در قوانین اسلامی، پای نارضایتی عمیق و تحرک روز افزون توده های وسیع مردم را به میدان می کشد. این روزها، بحث نه بر سر پیشرفت و پسرفت "اصلاحات" بلکه بر سر چگونگی خلاصی از دست این جانوران است. هر چه باشد تلقی مردم از موقعیت خویش در رابطه با حکومت، آن تمایزی است که با سالها پیش دارد، اینکه زندگی واقعی نه در سایه حکومت اوباشان اسلامی که "مصدافی" در دنیای امروز است بلکه در جaro کردن آنها از صحنه



فواد عبداللهی

این روزها همه می دانند که جمهوری اسلامی باید برود و "دیگر" یک اپسیلون مشروعیت ندارد. تلاشهای ۸ ساله و مفتضحانه دوم خرداد در کند کردن چرخ سرنوشتی جمهوری اسلامی توسط جوانان، زنان، کارگران و کل مردم، به شکست کشانده شد. معلوم شد که نه تنها

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

یک روز شاد!

رضا یزدی
گزارشی از روز ۲۲ بهمن در پارک
آبیدر سنندج

امروز ۲۲ بهمن سال ۱۳۸۳ است و جای شما خالی تا نلنگ ظهر گرفتم خوابیدم. این تنها روزی از سال است که بنده به خود اجازه می دهم بی هیچ گونه عذاب وجدان و ناراحتی خیال تا نلنگ ظهر بگیرم بخوابم چونکه هیچ خوش ندارم خیل مترسکهایی را ببینم که به زور به خیابانها آورده می شوند تا مدام شعار مرگ بر فلان و مرگ بر بهمن سر بدهند. از آنجایی که شب گذشته برف باحالی باریده است، حدود ساعت ۲ بعدظهر با یکی از رفقا تصمیم گرفتیم که بر پارک آبیدر برویم. راستش پس از کاری که کانون دفاع از حقوق کودکان در این شهر کرده است (برگزاری فستیوال آدم برفی ها) این عمل آنها به صورت یک سنت در این شهر در آمده است و هر گاه برفی می بارد مردم به آبیدر می ریزند و بی آنکه فراخوانی داده شده باشد جشن آدم برفی ها را بارها و بارها تکرار می کنند. باری همان طور که انتظار می رفت آبیدر کم و بیش شلوغ بود و جشن آدم برفی ها بر پا بود. ناگهان چشمانم به پلاکاردی افتاد: ((جشن آدم برفی ها به همت سازمان بهزیستی)). و هرهر زدم زیر خنده. بله، «آقایان» در جمهوری اسلامی حالا که میبینند نمیتوانند جلوی جشن شادی مردم را بگیرند به فکر افتاده اند که مهر یک نهاد دولتی را بر شادی های مردم بگویند و بگویند آره این کار ما بود! به هر حال چه سازمان بهزیستی یک پلاکاردر نصب میکرد و چه نمیکرد مردم کار خودشان را میکردند. خیلی جالب است! کانون دفاع از حقوق کودکان کاری کرده است که بالاخره حس کودک دوستی سازمان بهزیستی هم (حداقل نصب یک پلاکاردر) گل کند! آن بالا، چشمانم به یک آدم برفی افتاد که با شال گردنی سرخ رنگ تزیین شده بود. با دیدن آن به دوستم گفتم «جان خودم اینجا پر از بچه های کمونیست است!» حدسم درست بود و خیلی از برویچه ها را آنجا دیدیم. در میان آدم برفی ها یک آدم برفی بود با شکل و شمایل باستانی کورش کبیر که در ساختن آن دقت و مهارت بسیاری به کار رفته بود، یکی از رفقا به سازنده آن آدم برفی که هنوز داشت با آن ور میرفت پراند که: «شرط میبندم تو یک سلطنت طلبی» و یارو با شنیدن این حرف نیشش باز شد، انگار از اینکه او را سلطنت طلب بنامند کیف میکرد. این موجودات منقرض شده آریا پرست هم گاهی اینجور جاها پیدا میشوند و یک جورهایی سعی میکنند بگویند ما هم هستیم!

وای که چقدر آبیدر پر از دختران خوشگل بود! فقط افسوس که مجبورند روسری به سر داشته باشند و شاید همین روزها این تکه پارچه های مسخره را با یک هورا، به هوا پرت کنند! آن وقت ببینم کی میتواند جلوی میلیونها زن را که روسری ها را به هوا پرت کرده اند بگیرد.

بگذارید چند کلامی هم راجع به پیست اسکی برایتان بگویم. این که میگویم پیست اسکی، مبدا گمان کنید که چنین امکاناتی هم در این شهر وجود دارد! این یک جور پیست اختراعی و غیر ایمنی بود که کودکان و یک عده

دختر و پسر جوان با سر خوردن مدام روی برف ها آنرا ایجاد کرده بودند. اسکی باز ها هم، کسانی بودند که بر روی تیوپ، نایلن یا باسنشان سر میخوردند. تماشاچیان در دو طرف ایستاده بودند و سر خوردن بچه ها و جوانان را با هیاهو و تشویق و خنده بسیار تماشا میکردند. گاهی کودکی یا جوانی از این پیست غیر ایمن منحرف میشد و به میان تماشاچیان میرفت و آنها را سرتگون میکرد و این نه تنها کسی را ناراحت نمیساخت بلکه باعث خنده و تفریح بسیار بود. شاهد بو دیم که کودکان سرسره باز، افراد سالمند و خانم های جوان و حتی خود ما را سرتگون میکردند. آنهایی که در اثر برخوردها به زمین می افتادند در حالی که درد میکشیدند بلند میشدند و دستی به سر کودکان سرسره باز میکشیدند یا آنها را میبوسیدند و یا فقط به این اکتفا میکردند که بگویند: «عزیزم مواظب باش دست و پایت نشکنند». توی این هیر و ویر معلوم نبود از کجا سر و کله یک حاج خانم چادر چاقچوری به همراه حاج آقایش پیدا شد که از کنار این پیست بیخیال رد میشدند. ناگهان یکی از این کودکان سرسره باز با تیوپ رفت زیر پای این حاج خانم، طوری که لنگهای حاج خانم به هوا رفت و زارت افتاد روی برفها. حاج خانم ولو شد رو برفها و راستش را بخواهید دل ما هم برایش سوخت. حاج آقا که دید «ناموسش» روی برفها افتاده و لنگهایش بد جوری از هم وا شده و در معرض دید همگان است، رگ غیرتش پاره شد و کودک بیچاره را گرفت زیر باد مشت و لگد. صدای فریاد اعتراض مردم بلند شد و نیروهای انتظامی به سرعت حاج آقا و حاج خانم را نجات دادند و گر نه کسی نمیداند مردم ممکن بود چه معامله ای با آقا بکنند. خلاصه، نیروهای انتظامی تیوپ ها را توقیف کردند و رفتند وسط به اصطلاح پیست اسکی ایستادند و به این ترتیب بساط سرسره بازی و شادی کودکان تعطیل شد.

سرکوب فرهنگی نه!

آرش حمیدی

حمید تقوایی در سخنرانی خویش در ورک شاپ کنگره ۵ سخنانی عنوان کرد که واکنش های مختلفی را برانگیخت و دوستان حکمتیست هم به نقد آن پرداختند و ایشان هم در مصاحبه با مصطفی صابر به پاسخگویی پرداخت. تقوایی در سخنان خود لهجه تهرانی حرف زدن و شلوار جین پوشیدن را نشانه ای از مدرنیسم جوانان «گرد» دانست و ضمن بیان خاطره ای از رقص «هلپرکی» دوستانش در کنگره چهار به دختری اشاره کرد که این رقص را مسخره کرده و کلی خندیده بود و در نهایت به این نتیجه رسیده بود که جوان ایرانی مدرن شده است. وارد تعاریف فرهنگ نمی شوم. تنها می خواهم فرهنگ مردم را به دو بخش تقسیم کنم! بخشی از فرهنگ که با حقوق جهانشمول انسان در تضاد اساسی قرار دارد و بخشی دیگر که با این حقوق تضادی ندارد.

در قسمتهای بعدی مقاله هر جا که از فرهنگ سخن می گویم به معنای دوم آن می باشد که تضادی با ارزشهای انسانی ندارد مگر اینکه خود اشاره کنم. حجاب دختران نمونه ای از فرهنگی است که با آزادی و حقوق زن در تضاد است و باید مورد نقد ما قرار گیرد و حتی برای کودکان ممنوع شود اما هیچ کس نمی تواند بگوید که داشتن لهجه، لباس و ساز و رقص کردی با حقوق انسان ها در تضاد است یا باعث سرکوب می شود. البته لباس کردی را می توان به عامل سرکوب تبدیل کرد، اگر فی المثل دستور دهیم همه در سنندج کردی لباس بپوشند اما به خودی خود عامل سرکوب نیست و بی تقصیر است. و چقدر سطحی و بی پایه است اگر فکر کنیم که لباس کردی یا رقص کردی را مسخره کردن نشانه مدرنیسم در بین جوانان است. بله اگر کسی حجاب را مسخره کند مدرن است اما رقص هلپرکی این وسط چه تقصیری دارد؟ اساسا مبنا قرار دادن لباس و لهجه جوان تهرانی یا «پاریسی» و تحقیر فرهنگهای مردم محلی نقاط دیگر خود سازمان دادن یک سرکوب ناسیونالیستی و تحقق بخشیدن یک هژمونی فرهنگی است. هر کسی حق دارد هر لباسی را که می خواهد بپوشد و هر موسیقی که می خواهد گوش دهد و هر جور که می خواهد برقصد در صورتی که فرهنگی که دارد در تضاد با حقوق جهانشمول انسان قرار نگیرد. آیا اگر من موسیقی فولکور ایرانی را دوست داشته باشم و مثلا علاقه ای به مدونا یا متالیکا نداشته باشم، عقب مانده و مرتجع هستم؟ تقوایی در سخنرانی اش می گوید: «پیرمرد ۷۰ ساله هم دیگر از موسیقی ایرانی بدش می آید!» ما باید حتما کلی ذوق کنیم که جامعه مدرن شده است؟ طرفدار نسبیت فرهنگی نیستیم، اما در عین حال با هر کسی که بخواهد برای نوع خاص موسیقی یا لهجه هژمونی فرهنگی قائل شود مخالفم!

حمید تقوایی می گوید «جوان ایرانی متنفر از اسلام است، متنفر از موسیقی خودی است، متنفر از لباس ملی است، متنفر از زبان ملی است، خیال می کند در پاریس زندگی می کند!» جناب تقوایی اینها را نشانه مدرنیسم و توقع بالای جوانان می داند. در مورد متنفر بودن جوان ایرانی از

مذهب و خرافه من هم با او هم نظرم که این نشان مدرنیسم است. اما متنفر بودن جوان کرد از موسیقی و زبان و لباس کردی به خودی خود نه خوب است نه بد! نه نشان مدرنیسم است نه عکس آن! و اساسا به هیچ چیزی دلالت ندارد! مگر اینکه در لباس کردی مقداری میخ و سوزن باشد که باعث خراش بدن کسی شود یا موسیقی شعری داشته باشد که مثلا توهینی به زنان جامعه را شامل شود! بله، کسی که ترویج می کند سنتهای ملی را به خاطر ضد امپریالیستی بودنش و خودی بودنش را باید به خاطر نگاه سطحی و غیر منطقی اش نقد کرد اما فراموش می کند که آن قسمتی از فرهنگ های «ملی» که با هیچ یک از حقوق انسانی در تضاد و ستیزه قرار نمی گیرد چه گناهی دارند؟ زبان فارسی یا کردی بی تقصیر هستند و به خودی خود همراه خویش ارتجاع و عقب ماندگی حمل نمی کنند! دختری که در کنگره ۴ به رقص هلپرکی خندیده است اگر خندیدنش به معنای تحقیر این رقص و سرکوب بخشی از فرهنگ انسانهای کرد زبان باشد مسلما از موضع سرکوب فرهنگی عمل کرده است و این به معنای مدرن بودنش نیست. آقای تقوایی فرض کنیم روزی در تهران دستار مد شود اگر جوان کرد دستار بر سر بندد آیا با تعریف شما دیگر مدرن شده است. آقای تقوایی با لباس و لهجه و زبان مردم کاری نداشته باشد بگذارد هر جور دوست دارند زندگی کنند اگر زیستشان با حقوق انسانها تضادی ندارد. به کار حزب خود بپردازید و من هم زحمت نقد خود را تحمیل نکنید که دیگر حوصله ندارم!

هستند، برای گرفتن مجوز و بعضی از بچه ها میخواهند در این برپایی مراسمها تلاش کنند. فضا آن را عرضه کنند. کار خوبی برپایی تجمعات، سخنرانیها و... است. زحمت این فیلم را مونا کوشا، اسعد کوشا و مینو همتی یک اقدام مهم است. فضای هیچ شهری نباید در ۸ مارس آرام باشد. بالاخره اینکه تماس! تماس! تماس! با ما تماس بگیرید تا مشترکا برنامه بریزیم.

جوانان حکمتیست: سؤال آخر، شما گفته اید که یک هدیه جالب برای ۸ مارس امسال دارید و آن هم دوبله شده فیلم تسلیم است، کی این فیلم را در اختیار مردم قرار میدهید؟

مهرنوش موسوی: معلوم شد که به جز بچه ها بعضی ها فقط در جشنها و مراسمهای اینجوری به فکر "کاوی" هستند که باید بگیرند؟! شوخی کردم! بله این هدیه نقدر مورد استقبال قرار گرفته که از شهرهای مختلف با ما تماس گرفتند، آقایی که کار فیلم میکند، میخواست آن را بخرد!! قلبهای عاشق آزادی داشته تصور کنید "هدیه" را! خبر دارم که حتی به مناسبت جشنواره فجر،

مشترک خود با سازمان آزادی زن عراق صحبت کنید و اینکه چه تدارکی دیده اید؟

مهرنوش موسوی: رابطه ما با سازمان آزادی زن در عراق بسیار نزدیک است، به هم تنیده هستیم. این یک نقطه قوت و راستش پیشروی ما به نسبت سالهای گذشته است. بخش زیادی از موسسین سازمان ما از یاران ما در عراق هستند. من و یمنار محمد رئیس سازمان آزادی زن عراق اخیر نشستی بسیار خوب و موفق داشتیم که در آن راجع به پروژه های بزرگی صحبت کردیم، به زودی آن را اعلام میکنیم. تدارک مشترکی هم برای همکاری ۲ سازمان در برگزاری ۸ مارس در عراق دیدیم که اجازه بدهید بعدا از آن صحبت و به مردم گزارش بدهیم. من اصولا معتقدم باید اول کاری را کرد، بعدا به تبلیغش پرداخت! تا آنجا که به تبلیغات برمیگردد، حتما دیده اید

"خشونت طلبی" بزنند. بدون تردید این موقعیت خوبی را برای این نوع متعرضین به تجمع اعتراضی پارک لاله در امسال هم نمیدهد. علاوه بر این، تبلیغات حول فراندوم را هم ضمیمه این تلاشها کرده اند که ترجیح بند اصلی آن احتراز از اعتراض کردن با تمسک به "مسالمت آمیز" بودن حرکشان است. سکوت معنی دار این جریانات و بخشهایی از سازمانهای غیر دولتی زنان در قبال آماده سازی ۸ مارس، تا همین جا هم به ضرر خودشان است. ما امیدواریم که همه نهادها و کانونها و مراکز زنان موقعیت را دریافته، موانع را پس زده و به تحرک ما برای برپایی ۸ مارس بپیوندند. در سال گذشته علاوه بر تجمع ۸ مارس در پارک لاله، در تهران در نقاط دیگری، همچنین در دانشکده های مختلف ۸ مارس با جلوه خاصی برگزار شد، قطعنامه های خوبی ارائه شد و

جوانان حکمتیست: شعارها و مطالبات دیگران چیست؟

مهرنوش موسوی: خشونت به زن نه! حجاب اجباری نه! آپارتاید جنسی نه! ستم به من، تحقیر توست! معیار آزادی جامعه، رهایی زن از ستم است! و شعارهایی که در ادامه خواستها و مطالبات ما عنوان میشوند، یا در محل آن را میسازند

جوانان حکمتیست: در برگزاری ۸ مارس در ایران روی چه چیزی فوکوس دارید؟

مهرنوش موسوی: روی برگزاری ۸ مارس بویژه در تهران! البته بنویسید که منظور من این نیست که در سی و سه پل اصفهان یا بزرگراه چمران شیراز و کرمانشاه و... نباید جمع شد. مثلا پارسال قزوین گل کاشت. در اراک و همدان به اعتقاد خیلی مهم است و میتوانیم مراسمهای خوبی داشته باشیم. ولی تهران مرکز تحرک ۸ مارس است، علاوه بر کردستان که ویژگی خاص خود را دارد. میگویم تهران، چرا که ارزیابی معینی از روند حرکت نیروهای برگزار کننده تجمع پارک لاله در سال گذشته دارم.

اگر یادتان باشد جدال معینی بین ما بر سر حمایت از تظاهرات و تجمع آنجا صورت گرفت. در دل همین جدال، جریاناتی اعلام کردند که حاضر به برگزاری ۸ مارس سال آینده نخواهند بود. ماجرا این بود که بیش از ۲ هزار نفر در پارک جمع شدند و شب قبل وزارت کشور مجوز را لغو کرد. برپادارندگان متاسفانه به جای همراهی کردن با جمعیتی که فریاد میزدند "آزادی، عدالت، سکوت تو جنایت"، تصمیم گرفتند مردم را دعوت به بازگشتن به خانه بکنند. بدتر از اینها، یک تهاجمی به برپادارندگان پارک لاله شروع شد که نتیجه آن تعمیق یک قطب بندی بود. میان کسانی که معتقد بودند باید از ۸ مارس برای اعتراض به خشونت به زن استفاده کرد و کسانی که شروع کردند به خود تظاهر کنندگان مهر

از برنامه تکویزیونی سازمان رهای زن دین کنید:

www.rahai-zan.uhrtv.com

گزارشی از جلسه سخنرانی مصطفی معین، کاندیدای مشارکت

مرکز خبری سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

(به نقل از پیک ایران)

گزارش دریافتی: روز ۲۵ بهمن ۱۳۸۳ ساعت ۱۵ تا ۱۷ جلسه انتخاباتی مصطفی معین کاندیدای مشارکت در سالن آمفی تئاتر دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد.

این جلسه با حضور چهار صد تن از دانشجویان برگزار شد که در آن مصطفی معین در سخنانی به تشریح برنامه های خود پرداخت وی گفت شعار اصلی انتخاباتی من "دولت کار آمد شهروند توانمند" است. وی رئیس برنامه های خود را در تشکیل مدیریت سیستماتیک استوار می دانست و راه برون رفت از وضعیت ناکارآمدی دولت را تکیه به دانشگاهیان و مبتنی کردن برنامه ریزی های دولت بر تحلیل های علمی می دانست.

این جلسه که در جمع دانشجویان و دانشگاهیان با موضوعیت دانشگاه، اقتدار علمی شهروند توانمند برگزار شد. سخنرانی معین بارها با اعتراض حضار مواجه شد.

در جمع دانشجویان پلاکاردهایی با شعارهای "NO، چند بار فراموش کنیم، چند بار تاریخ را تکرار کنیم؟"

"آزادی زن، آزادی جامعه است، زن به عنصر درجه دوم جامعه تبدیل شده است" **"هیجدهم تیرماه شانزده آذر ماست، زنده باد آزادی و برابری"** **"زندانی سیاسی قربانی تباری، ما چیزی جز زنجیرهایمان برای از دست دادن نداریم و دروغ تا کی؟"** **دیده می شد.**

در اواسط سخنرانی ۱۰۰ تن از دانشجویان در اعتراض به سخنان معین و ندادن تریبون آزاد و عدم طرح سوالات شفاهی سالن برگزاری مراسم را ترک کردند

که در نشریه و امکانات تبلیغی رهایی زن، ما مدام از پیشروی جنبشمان در عراق و مکان آن برای جنبش برابری طلبی در ایران صحبت میکنیم. ما یک تن واحد هستیم که به استقبال ۸ مارس در ۲ کشور میرویم.

جوانان حکمتیست: فراخوان شما به دستداران و فعالین جنبش برابری طلبی برای برگزاری ۸ مارس چیست؟ مهرنوش موسوی:

فراخوان من این است که دست بکار شوند، تبلیغات حول ۸ مارس را شروع کنند. پخش اطلاعیه ها، پوسترها، تراکتها و شعار نویسی یکی از این کارهاست. اگر دوستان منفرد هستند، فوراً جمعی را دور خود جمع کنند و فکری به حال برگزاری ۸ مارس در شهر خود بکنند، ما بر سر رفع مشکلاتشان میتوانند تماس بگیرند. اگر عضو و فعال یک نهاد غیر دولتی معطوف به مسئله زن

فضای تهران ۸ ماری بود. یک وزنه دیگر فوکوس ما روی ۸ مارس در کردستان است. برگزاری ۸ مارس در شهرهای مختلف کردستان، بسیار بسیار حائز اهمیت است. در کل جنبش برابری طلبی موقعیت و جایگاه ویژه و تعیین کننده ای دارد. در کردستان امسال نباید اجازه داد که تفرقه های ناسیونال فمینیستی و یا حتی جدلهای حاشیه ای مانع به میدان کشیدن دهها هزار نفر به صف ۸ مارس شود. عوامل و دارو دسته های رژیم اسلامی و غیره تلاش خواهند کرد که از برگزاری این روز ممانعت به عمل بیاورند. با جلب حمایت گسترده مردم در صحنه باید یکجا این موانع را خنثی کرد.

جوانان حکمتیست: از ایران به عراق برویم. در باره جایگاه ۸ مارس در عراق صحبت کردید، لازم است از برنامه و رابطه

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

۱ → در برابر قوانین حکومتی اوباشان اسلامی...
عدم دسترسی این نسل و اکثریت مردم به پرچم و شعاری روشن به شکل گسترده است که بتواند در مقیاسی عمومی به سازماندهی تمایلات و خواسته های اکثریت جامعه بمنظور به صحنه آمدن علیه کلیت رژیم اسلامی عمل کند.

در هر دوره ای از تاریخ جامعه، مکانیسم ها و همراه آن خواسته ای عمومی خود را به بستر تحول در سطح جامعه می کشاند. با یک نگاه ساده به جامعه ایران، به حکومتش، به سوخت و سازش، به فرهنگ و ارزشهایش، به خواست و آرزوی مردم، می توان پی برد که مطالبه "آزادی و برابری" در سطحی عمومی مطرح است. اما به کرسی نشاندن این مطالبه ما را به سوی مکانیسم هایی می کشاند که امروز در توازن قوای فعلی می توان از آن به نفع سازماندهی مردم و برای تدارک قیام علیه رژیم اسلامی استفاده کرد. مهمترین این مکانیسم ها "سیاست کنترل محلات" است که حلقه مهم و تعیین کننده در بر چیدن بساط رژیم اسلامی در هر گوشه و کناری است. این روزها جمهوری اسلامی بجای اینکه بیشتر جامعه را در کنترل داشته باشد به لاک دفاعی فرو رفته است و بیشتر به دور خود جمع شده است. می توان محلات را از دست رژیم اسلامی و قوانینش و اوباشانش در آورد و به مناطق آزاد تبدیل کرد. با جمع شدن بچه های محل دور هم می توان و باید عرصه آمد و رفت و زندگی بر اوباشان اسلامی را غیر ممکن کرد. باید نماینده دفاع از حرمت انسانی، دفاع از آزادی زن و برابری طلبی و دستاوردهای امروزی و مدرن شد. باید در این روزها که به استقبال ۸ مارس می رویم، حجاب اجباری را پرت کرد و قوانین آپارتاید جنسی را به لجن کشید. به رقص و پایکوبی و نوشیدن پرداخت، باید نشان داد محله ای که ما در آن زندگی می کنیم نمی تواند جایی برای زورگویی، تحقیر، ضرب و شتم و تحمیل قوانین قرون وسطی اسلامی باشد. می توان و باید نماینده انسانیت، آزادیخواهی و برابری طلبی در محله خود شد. اما باید آن را سازمان داد. باید با جوانان سایر محلات در تماس بود. یک هماهنگی کامل و یک سازماندهی گسترده در سطح محلات، می تواند راه پیشروی به سوی بر کناری رژیم اسلامی با شعار آزادی و برابری هموار کند. می تواند حتی به قیام در محلات تبدیل شود. محلات باید ارگانه های اعمال اراده و قدرت مردم و جوانان و زنان باشد نه تحمیل زشت ترین و کثیف ترین احکام و قوانین اسلامی توسط لمپنهای حکومتی. باید این رهبری را شکل داد، فشرده تر و هماهنگ تر کرد و خود را رهبر محله و مبارزه جوانان محل دانست. برای تضمین عمل مشترک و یکسان با هم باید در تماس دائم با سازمان جوانان حکمتیست بود. این سازمان کانالی مهم در هم خط شدن، هماهنگ شدن و ارتباط است. شمال تا جنوب، شرق تا غرب ایران را میتوان توسط این سازمان و در ارتباط با آن پوشش داد. از همین لحظه برای تحقق آرمان "آزادی و برابری" در محلات متحد شوید و به ما بپیوندید.

مرکز خبری سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

کانون ویلاگ نویسان ایران، آزادی فوری و بدون قید و شرط مجتبی سمیعی نژاد را خواستار است!

متأسفانه هنوز چند روز از آزادی مجتبی سمیعی نژاد، دانشجوی رشته ای ارتباطات و نویسنده ویلاگ "من نه منم" که به "مدیار" مشهور است، نگذشته است که مجدداً او را با قرار وثیقه ی باور نکردنی صد میلیون تومانی روانه ی زندان کردند. آزادی بدون قید و شرط و فوری مجتبی سمیعی نژاد که هیچ جرمی مرتکب نشده است و در ویلاگ اش صرفاً به بیان نظرات خود می پرداخته است کمترین خواست ماست. بی شک دستگاه قضایی و قضایی و بازپرس پرونده نیز به دلیل اعمالی که حتا با قوانین موجود نیز غیرقانونی محسوب می شود باید مورد بازخواست و محاکمه قرار گیرند. متأسفانه به دلیل جو رعب و وحشتی که خانواده زندانیان سیاسی و مطبوعاتی و ویلاگی را فرامی گیرد اخبار مربوط به آنان منتشر نمی شود و ما در بی خبری کامل به سر می بریم و نسبت به جان مجتبی سمیعی نژاد بیم ناک هستیم. امیدواریم سازمان های مدافع حقوق بشر هر چه سریع تر نسبت به این دستگیری واکنش نشان دهند و ملاقات با سمیعی نژاد و آزادی او را خواستار شوند. یادآور می شویم آرش سیگارچی نویسنده ویلاگ "پنجره ی التهاب" نیز هنوز در بازداشت به سر می برد و وضعیت اش مشخص نیست.

جوان تریبون منتشر شد!

مربی: عباس رضانی
Email: abbasraza@yahoo.com



www.javanx.com

"جوان تریبون"
به مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جوانان می پردازد.
"جوان تریبون"
محل برای درج اظهار نظرهای شما خواهد بود.
"جوان تریبون" را بخوانید و به دیگران معرفی کنید.

گروپ جوانان حکمتیست در یاهو!

<http://groups.yahoo.com/javananekomunist>

گروپ جوانان حکمتیست محلی برای پیشبرد اهداف و سیاست های انسانی، مدرن و امروزی است. شما می توانید با پیوستن به این گروپ برای شرکت در بحث و مجادله فعال شرکت کنید. در اینجا می توانید نظرات و تحلیلتان را بازگو کنید.

تغییر آدرس سایت اینترنتی سازمان جوانان حکمتیست!

جهت اطلاع مراجعه کننده گان سایت سازمان جوانان حکمتیست با توجه به اینکه طولانی بودن Domain Name یعنی آدرس سایت ما مشکلاتی در دسترسی سریع به سایت داشته است، برای برطرف کردن این مشکل آدرس کوتاهتری به عنوان javan و در آخرش (X) خریدیم که بر گرفته از آرم سازمان است را برای دسترسی به سایت سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست ثبت کرده ایم. به این طریق به همه مراجعین توصیه میشود که از این تاریخ به بعد از طریق آدرس زیر به سایت وارد شوند.

www.javanX.com

مسئول سایت: عثمان رسولی

پرتو، برنامه ای از حزب حکمتیست

تلویزیون پرتو برنامه ای است از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تلویزیون پرتو، تلویزیونی پست، رادیو، آزادخواه و برابری طلب است. برنامه های این تلویزیون را ببینید و دیدن آن را به همه دستاران آزادی و برابری توصیه کنید. تلویزیون پرتو تریبونی از آن همه کسانی است که در خفقان اسلامی به دنبال رسانه ای باز و حقیقت جو می گردند. این برنامه ها هر چهارشنبه ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ شب به وقت تهران (۵ تا ۶ بعدظهر به وقت اروپای مرکزی و ۲ تا ۳ صبح به وقت امریکای غربی) از کانال یک پخش می شود. این برنامه ها پنجشنبه ها ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ صبح به وقت تهران مجدداً پخش می شود. برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com/parto

مشخصات کانال:

Telstar 12

Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Vertical
Sym Rate: 17.4687ms
inf Rate: 24.148Mbps
Video PID 1760
Ahdio PID 1720
FEC: 3/4

Telstar 5

Freq: 12.090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20 000
FEC: 3/4

جوانان حکمتیست را تکثیر و پخش کنید!

از این سایت ها دیدن کنید:

www.javanx.com
www.hekmatist.com
www.iskraa.com
www.rahai-zan.com
www.iran-tribune.com
www.pasox.org

تماس با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۲۶۱۲

سر دبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۰۸۰۹۱۴۲

مسئول خارج کشور:

جمال کامانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۶۱۶۶۱۹

مسئول مانی: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۲۴۲۴۵

به سازمان جوانان حکمتیست بپیوندید: www.javanx.com